

نکاتی درباره الزامات بدیل مستقل کارگری در ایران



نگاهی از سوی «همراه کارگران» برگرفته از «اردوی کار» در تلگرام

۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

جنبش کارگری برای این که واقعا سراسری و توده ای شود باید از فردمحوری، انحصارطلبی محفلی، سازمانی و حزبی فاصله بگیرد و ضمن تشویق و تقویت سازماندهی جمعی، گروهی و حزبی از طریق اتحاد عمل های گسترده بر پایه فصل مشترک های مطالباتی واقعی و گردآوری نیروی واقعی پیشروی کند.

نگاهی به دو فراخوان: تجمع حمایتی در تهران و هشتگ حمایتی در شبکه های اجتماعی.

«تجمع روز چهارشنبه ۳ دی در تهران به خاطر حمایت از مطالبات

کارگران هفت تپه و همزمان با برگزاری اجلاس هیئت دאوری قرارداد واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه در خلع ید از کارفرمای هفت تپه و لغو خصوصی سازی این شرکت برگزار شد. اما این هیئت در جلسه عصر چهارشنبه خود نتوانست به نتیجه ای برسد و ادامه بررسی پرونده به جلسه ای در دو هفته بعد موکول شد.

«علت فراخوانی به برگزاری تجمع حمایتی در تهران و یا پیوستن به دو هشتگ حمایتی؛ اولی از سوی «جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه» و دومی از سوی اسماعیل بخشی هر چه بود تأثیری بر هیئت دאوری و رای آن نداشت و این تأییدی بر نظری بود که پیشاپیش بر وابستگی اعضای هیئت دאوری و فقدان اراده در این هیئت برای رای به سود خلع ید اسدبیگی تأکید داشت.

«عملی کردن خلع ید و لغو خصوصی سازی که از مطالبات مهم کارگران هفت تپه است، مستلزم شکل گیری توازن قوایی است که در آن تحقق این مطالبه کارگران هفت تپه به تحقق همین مطالبه در سایر واحدهای تولیدی پیوند خورده باشد و یا دست کم مقدمه نامنفصل آن باشد. حاکمیت با این مطالبات بازی می کند، بخشی از آن در رقابت های جناحی و با هدف های مصادره جویانه و موج سوارانه شعار خلع ید را چنانکه در تجمع تهران شاهد بودیم تکرار می کند، اما این بخش سپاهی و بسیجی که بر خود نام عدالتخواه گذاشته جز بهره برداری تبلیغاتی، ضربه زدن به نفوذ و اعتبار سندیکا و خالی کردن زیر پای گزینه فاسد و رانت خوار مورد حمایت دولت و به دست آوردن کنترل شرکت هفت تپه هدف دیگری ندارد. آنچه برای وابستگان جناح های حاکمیت ابداً به حساب نمی آید کارگران هفت تپه هستند. شاهد مثال آن که سه ماه است حقوق این کارگران به تأخیر افتاده و با آن که دی ماه آغاز شده است هنوز نی ای بریده نشده و شکری تولید نشده است.

«رشد روزافزون اعتراضات کارگری، تلاش گروههای مختلف در حاکمیت و اپوزیسیون برای بهره برداری ابزاری از این نارضایتی ها را افزایش داده است. موفقیت نیروهای غیر کارگری و حامی بهره کشی در مصادره اعتراضات مستقل کارگری شرایط تبدیل جنبش کارگری به بدیل مستقل وضع موجود را از میان برمی دارد.

در هم شکستن خط مصادره و پیشروی به سوی بدیل

مستقل کارگری الزامات متعددی دارد که از میان آنها تاکید بر سه وجه زیر در شرایط کنونی از اهمیت بیشتری برخوردار است:

اول: شرط مقابله با موج سواری و مصادره، غالباً تصریح مرزهای تمایز در راهکارها و شعارهاست نه راه گشودن بر درآمیزی نیروهای ناساز و متضاد از طریق طرح شعارهای مبهم و با خاصیت تفسیر آکاردئونی. مثلاً شعار #خلع_ید_یک_کلام_والسلام با این که اساساً برای تاکید قاطع و مشدد بر خلع ید از اسد بیگی در هفت تپه مطرح شده، اما به خودی خود نمی گوید که جایگزین او چه باشد؟ بنابراین راه را باز می گذارد تا از «عدالتخوارانِ بسیجی»، حامیان اداره شورایی، طرفداران واگذاری مجدد واحدهای بحران زده خلع ید شده به دولت بدون مشارکت و نظارت کارگری، حامیان واگذاری مجدد واحدها به دولت با شروط متعددی از نظارت و مشارکت کارگری، حامیان شکل های ویژه ای از مشارکت کارگری نظیر مثلاً اداره به شکل تعاونی و همچنین حامیان واگذاری مجدد به یک کارفرمای به اصطلاح دارای «اهلیت» به جای فرد خلع ید شده، همگی و همگی پشت این شعار جمع شوند و به نام کارگر هفت تپه بار خودشان را ببندند و نان خودشان را بپزند. اگر مجموعه داده های وضعیت، چنین تجمیعی را در خدمت تقویت بدیل مستقل کارگری قرار می داد، مانعی نبود اما روشن است که در حال حاضر نه قدرت تبلیغاتی مستقل جنبش کارگری و نه درجه سامان یابی آن در حدی نیست که این درهم آمیزی در خدمت عروج مستقل آن باشد. مثلاً در رابطه با تجمع تهران چنانکه شاهد بودیم مافیای رسانه ای سپاه تلاش کرد تا این تجمع را به نفع دانشجویان بسیجی و جریان «عدالتخواه» بازتاب دهد. با زور و سرکوب و سرمایه قدرت عظیم رسانه ای ساخته اند که همین کارها را صورت بدهند و در دنیایی که رسانه بزرگ تا حد حزب واجد اهمیت شده، افکار عمومی را گمراه کنند. هشتگ دوم یعنی لغو خصوصی سازی هم اگر چه بخشی از نیروهای بالا را الک می کند، ولی چنانچه شاهد بودیم مانع حضور مصادره جویانه عدالتخواهانه آخوندی و بسیجی در تجمع تهران نبوده است.

دوم: شعارها، راهکارها و کنشگری ها باید بنا به قاعده میدان ابتکار عمل کارگران، حضور و نقش آفرینی آنان و تشکل های مستقل

پایه ای شان را گسترش دهند نه این که دامنه آن را به سود یک گروه خاص یا یک شخصیت کارگری محدود و مقید کنند. البته یک اقدام یا آکسیون یا شعار ممکن است عمق و دامنه لازم و کافی برای دستیابی به وفاق عمومی نسبتاً سریع بر سر ارزیابی جهت یا بانه مسیرش را نداشته باشد، اما این ویژگی خودش دست کم به معنای آن است که در نظام اولویت های پیکارهای سیاسی و طبقاتی از منظر کمک به شکل گیری بدیل مستقل کارگری از جایگاهی نازل تر برخوردار است.

«سوم: شعارها، راهکارها و کنشگری هایی که نه از طریق تقویت روندهای همگرایی میان تشکل های مستقل هم سرنوشت موجود در جنبش کارگری که از طریق درهم شکستن آنها، یارگیری از درون تشکل ها با هدف تضعیف شان و تکیه بر خصومت و رقابت به جای سطوح چند گانه ای از اتحاد عمل پیش برود، از آنجا که شرایط گردآوری حداکثر ظرفیت ها در هر نبرد موضعی طبقاتی را تضعیف می کند؛ بر نفی استقلال عمل تشکل های کارگری مبتنی است و در کنش و واکنش همه را به جان هم می اندازد و در برابر دیکتاتوری خلع سلاح می کند، به جای تقویت بدیل مستقل کارگری، فرقه های ایدئولوژیک متخاصم بوجود می آورد. جنبش کارگری برای این که واقعا سراسری و توده ای شود باید از فردمحوری، انحصارطلبی محفلی، سازمانی و حزبی فاصله بگیرد و ضمن تشویق و تقویت سازماندهی جمعی، گروهی و حزبی از طریق اتحاد عمل های گسترده بر پایه فصل مشترک های مطالباتی واقعی و گردآوری نیروی واقعی پیشروی کند. ویژگی های شرایط حکم می دهد که هر شکل دیگری بیراهه است و با تضعیف بدیل مستقل کارگری، عملاً جاده صاف کن بدیل های غیرکارگری می شود.

«ناگفته روشن است که فیل هوا کنی، جار و جنجال های فرقه ای، به خط کردن گروهها و تشکل های دست ساخته ای که فقط اسامی توخالی هستند و پشت شان فعالیت و حرکتی وجود ندارد، کمکی به همگرایی واقعی نیروها نمی کند و جایگزینی برای آن به حساب نمی آید.